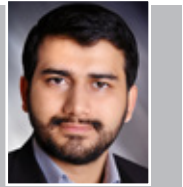


ارتقاء مشارکت مردمی



بهنام سعیدی

مشارکت مردم در امر توسعه به عنوان فاکتوری محوری و کلیدی است که گردآوری و تلفیق سایر عناصر اصلی جریان توسعه و فعلیت بخشی به آنها را بر عهده دارد، جایگاه مشارکت مردم به عنوان یکی از مهمترین رویکردهای اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری تحت عنوان مردمی کردن اقتصاد مورد تأکید قرار گرفته است و از سوی دیگر لازمه مردمی کردن اقتصاد خواست دو جانبه مردم و دولت است و مادامی که این نگرش در بخش سیاستگذاری حاکم نگرده انتظار پیش آمدن از سوی مردم، امری دست نیافتنی است مگر به جبر شرایط اضطرار و بحران. آنچه که در این مقال به آن خواهیم پرداخت ضرورت ارتقاء مشارکت‌های مردمی در امر توسعه اقتصادی می باشد چرا که ابعاد توسعه فراگیر تر از صرف بُعد اقتصادی است. امروز که در استان کرمان اقدامات مؤثری در جلب مشارکت‌های مردمی شاهد هستیم بد نیست نگاهی اجمالی به تعاونی‌ها به عنوان یکی از بسترهای جلب مشارکت مردم داشته باشیم:

نظریه پردازان در حوزه مشارکت‌های اجتماعی معتقدند که مشارکت این اجتماعات در اداره امور خود هم حقیقت است و هم ارزشی لازم؛ مشارکت مردم محلی به تدریج به عنوان ضرورت مطرح گردید و در امور برنامه ریزی و توسعه پذیرش روز افزونی یافته است، نظریات امروزی تأکید می کنند که مشارکت اجتماعات محلی در اداره امور مربوط به خود، هم بارهای سنگینی از دوش دولت مرکزی برداشته و باعث تسهیل کار آنها شده و هم ضامن اجرای صحیح برنامه های ملی در سطوح منطقه ای و محلی گردیده و هم رضایت اجتماعات محلی را فراهم کرده است. تجربه برنامه ریزی اقتصادی متمرکز در بیشتر کشورهای جهان نشان داده است که برنامه ریزی اقتصادی، بخشی متمرکز که نگرشی از بالا به پایین دارد، پاسخگوی حرکت توسعه یک کشور نبوده است. از این رو در چند دهه اخیر، حرکت گسترده ای در سطح جهان آغاز شده تا امر برنامه ریزی توسعه محلی به مردم و نهادهای محلی هر محل واگذار شود و تحت نظارت و مسئولیت منتخب محلی انجام گیرد.

در اغلب کشورهای جهان صنعتی، این حرکت به گونه ای مناسب با شرایط هر کشور تجربه شده است، در کشورهای سرمایه داری غربی مانند انگلستان و کشورهای اسکاندیناوی، این حرکت زودتر شروع شده و نتیجه مطلوبی داده است؛ در کشورهای در حال توسعه، واقع در جنوب و جنوب شرقی آسیا، مانند هند، پاکستان، بنگلادش، سری لانکا، مالزی، اندونزی، تایوان، تایلند و فیلیپین، این حرکت به خوبی فراگیر شده است. نحوه جلب مشارکت و بستر سازی مورد نیاز در این خصوص بر اساس شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر منطقه متفاوت است بنابراین تعریف فرایندها و ساز و کارهای متنوع و منطبقی با شرایط هر منطقه می طلبد. در تاریخ کشور ما همیشه سوابق متنوعی از مشارکت و همراهی مردم را در رفع بحران‌ها شاهد بوده ایم که نشان از وجود بالقوه این سرمایه اجتماعی دارد، شاید لازمه بالفعل نمودن جلب مشارکت در امور توسعه ای، آگاهی بخشی به اجتماع از ضرورت‌ها، مزیت‌ها و ابزارها و اقدام هوشمندانه در گفتمان سازی آن باشد.

لازم به یادآوری است توجه به وجود تفاوت‌های ساختاری در شهر و روستا نیز یک اصل ضروری است و جلب مشارکت در حوزه های شهری بستری متفاوت از حوزه های روستائی می طلبد و ساز و کارهای مورد نیاز آن دارای شکل متمین دیگری خواهد بود به عنوان مثال در قواره شاخص اعتماد، به دلیل وجود ارتباطات نسبی و سببی گسترده در مردم روستا، شناخت دقیق تر و آگاهانه تری از افراد به وجود آمده که شاید متأثر از کمیت و کیفیت محیط باشد و این ساختار جلب مشارکت عامه مردم را تسهیل می نماید و نیازی به تعریف ساختارها و تعاملات پیچیده در جلب اعتماد و مشارکت مردم نیست.

در سال‌های اخیر، استان کرمان به ابتکار و اهتمام استاندار خود شاهد اقدامات متعدد و برجسته ای در حوزه مردمی کردن امور بوده است که شاید بتوان این اقدامات را کم نظیر دانست، چرا که عملاً با ساختار شکنی و ایجاد تعاریف جدید از وظایف حاکمیت و مردم توانسته است توفیقات زیادی به دست آورد و در سطح کشور به عنوان یک مدل و الگوی توسعه ای مطرح شود، از جمله این اقدامات می توان به شهر نمونه اقتصاد مقاومتی قلعه گنج (که تجربیات و دستاوردهای بدیلی نیز به دنبال داشته است)، مناطق ۸ گانه، شورای اقتصاد مقاومتی شهر و روستا، تریسب کرین، توسعه روستائی و صندوق های خرد روستائی اشاره نمود، لذا امروز باید استان کرمان راز پیشرو ترین‌ها در توجه به امر مشارکت مردمی دانست که با ابتکارات خود توانسته است به عنوان

یک الگوی کشوری مطرح شود، اما آنچه که مهم است و نباید از نظرها دور ماند این است که امر مشارکت بر مدار و محور مردم شکل می گیرد و سیاستگذاران بایستی در ارتقاء آن با آرامش و آرایش لازم به جلوروند تا این فرصت تبدیل به تهدید نگردیده و تجربه ای تلخ در اذهان اجزاء جامعه شکل ندهد.

حال که در اهمیت و لزوم توجه به امر مشارکت مردم مطالبی گفته شد بد نیست نگاهی اجمالی به جایگاه و وضعیت تعاونی‌ها، به عنوان یکی از بسترهای جلب و پیاده سازی مشارکت‌ها بیاندازیم:

تعاونی، ساختاری است که می تواند تحقق واقعی عدالت اجتماعی و ارتقاء سرمایه های اجتماعی را دنبال داشته باشد و می تواند هم سویی منافع فردی را با منافع جمعی ترکیب نموده و مصداق واقعی افزایش متوسط سرمایه های جامعه گردد از سوی دیگر تعاونی‌ها به دلیل ساختارمند بودن و پستوانه های قانونی، پایداری بیشتری را نسبت به بسیاری از ساختارهای موجود در خود نهفته دارند. قدمت تعاونی‌ها به شکل امروزی آن به حدود ۱۸۰ سال پیش بر می گردد، امروزه تعاونی‌ها توانسته اند نقش قابل توجهی در توسعه اقتصادی بسیاری از کشورهای دنیا ایفا کنند و حتی در برخی عرصه ها بر رقبای سرمایه محور خود پیشی بگیرند لازم به ذکر است بر اساس برآوردها تقریباً نیمی از مردم دنیا بطور مستقیم یا غیر مستقیم از خدمات تعاونی‌ها بهره برده اند، در کشورهایی همچون هندوستان بخش تعاون مورد توجه جدی قرار داشته اند و حتی بستر ساز توسعه اقتصادی در این کشورها قرار گرفته است. برای دریافت درکی بهتر از جایگاه تعاونی‌ها در اقتصاد جهان اعم از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، بد نیست نگاهی به آمار و ارقام بیاندازیم به این منظور از آخرین اطلاعات منتشر شده توسط اتحادیه بین المللی تعاون (ICA) مربوط به سال ۲۰۱۴ استفاده می نمایم، بر این اساس در حدود ۲۵۰ میلیون نفر در سراسر جهان توسط شرکت‌های تعاونی به کار گرفته شده اند و درآمدی نزدیک به ۲٫۵ تریلیون دلار به خود اختصاص داده اند. فقط ۱۰ شرکت تعاونی اول دارای بیشترین درآمد در دنیا در حدود ۶۵۰ میلیارد دلار درآمد داشته اند. نکته قابل تأمل این است که در بین ۱۰۰ شرکت اول نیز، تنها یک شرکت تعاونی از کشورهای در حال توسعه و آن هم از کشور برزیل به چشم می خورد و این در حالی است که در این بین شرکتهایی با بیش از ۹۰ میلیارد دلار درآمد در سال ۲۰۱۴ به چشم می خورند.

از ۲٫۵ تریلیون دلار درآمد کسب شده توسط شرکت‌های تعاونی در سال ۲۰۱۴، قریب به ۱٫۴ تریلیون دلار آن از بخشهای بانکی و بیمه ای حاصل شده است؛ لذا می توان بخوبی متوجه شد که شرکت‌های تعاونی در جمع آوری سرمایه های خرد و جلب مشارکت مردم و تأمین سرمایه می توانند نقش بسزائی داشته باشند.

بر اساس چشم انداز ترسیم شده در سال ۲۰۲۰ توسط اتحادیه بین المللی تعاون، شرکت‌های تعاونی مدل مرجع توسط مردم هستند که دارای بیشترین سرعت رشد نیز خواهند بود. تا این بخش از نوشتار، به جایگاه تعاونی‌ها در دنیا پرداخته شد و به وضوح مشخص گردید که تعاونی‌ها دارای ظرفیت‌های ویژه ای هستند که می توانند به عنوان یکی از عناصر مؤثر در جلب مشارکت‌های مردمی، زیرساخت‌های لازم را جهت هم سویی و هم افزایی سرمایه های خرد و ایجاد منافع و منابع مشترک را به دنبال داشته باشند؛ و در ادامه به وضعیت نگاه‌های تعاونی در استان خواهیم پرداخت: در استان کرمان در حاضر چیزی در حدود ۵۰۰۰ تعاونی در ۱۲ گرایش در حال فعالیت هستند و قریب به ۵۰۰۰ نفر نیز در این بخش اشتغال دارند که با سهم حدود ۶ درصدی از اشتغال استان دارای سهم ناچیزی می باشند و این آمار مؤید این است که تعاونی به معنای واقعی خود هنوز در استان شکل نگرفته است.

وجود تأکیدات قانونی از جمله اصل ۴۴ قانون اساسی، آنجا که به وضوح نام تعاونی در کنار بخشهای دولتی و خصوصی اشاره شده است و ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ نشان از ضرورت توجه جدی به این بخش می باشد، لذا معرفی هرچه بیشتر ظرفیت‌های تعاونی‌ها و ایجاد جاذبه های متنوع در شکل گیری تعاونی‌ها می تواند در رشد این بخش از اقتصاد کمک شایانی نموده و مکمل اقدامات در دست اقدام کرمان در استان در زمینه جلب مشارکت‌های مردمی باشد.

امید می رود با ادامه اقدامات آغاز شده در زمینه ارتقاء مشارکت‌های مردمی در استان، شاهد اقتصادی مردمی به معنای واقعی باشیم که بتواند موجبات تحقق هر چه بیشتر و بهتر توسعه همه جانبه استان و کشور را فراهم آورد.

✽ کارشناس ارشد اقتصاد